

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

۲۴

• اخبار جشنواره
• بیان نامه امیدوار جشنواره
• حضور دویاره بیدام پیضاوی



- گفتگو با سیاوش تهمورث
- حلوا حلوا دهنم شیرین

- اسامی هیأت داوران
- نمایش تخت حوضی

دهه فجر یادآور حماسه جاودان ملتی مسلمان و آزاده است که مسیر تاریخ را دگرگون ساخت و با ارزش‌های نوین خویش راه را برای تعالی انسانیت گشود. ضمن تبریک و تهنیت ایام خجسته دهه فجر، امیدواریم که با برگزاری شانزدهمین جشنواره تئاتر فجر، گامی در بیان ارزش‌های بلند آفریده شده برداریم.

نمایش زیباترین عرصه تجلی خلاقیت و چهره پر فروغ ارزش‌های متعالی است و امیدواریم که همت گرانقدر شما در فصل توین فعالیتهای فرهنگی و هنری در جمهوری اسلامی ایران، طریق جدیدی را برای رونق تئاتر کشور بگشایید.

حضور تمامی شما هنرمندان گرامی و علاقهمندان به تئاتر را در شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر گرامی می‌داریم و امیدواریم که این حضور زمینه‌ساز حضور مستمر نمایش در بطن زندگی اجتماعی مردم مسلمان ما باشد.

حسین سلیمانی



۶ بیژن شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر
تهران ۲۷ تا ۲۷ بهمن ۱۳۹۰

THE 16th FADJR THEATRE FESTIVAL



هیأت داوران چون دوره گذشته ضمن اعلام اینکه هیچ نمایشی به عنوان بهترین نمایش به مفهوم مطلق انتخاب نگردیده، برخلاف دوره‌های قبل، علاوه بر جایزه کارگردانی و نمایشنامه‌نویسی، به موسیقی متن و نکور نیز جوایز اختصاص دادند.

کارگردان نمایش «آوخ»، مصطفی قلندرلکی،

برنده مдал و لوح زرین به عنوان نفر اول

کارگردانی

کارگردان نمایش «فبرد حصلین» برنده

مداد، به عنوان نفر دوم کارگردانی

کارگردان نمایش «خلیل طلایه‌دار درون

مرز»، برنده مداد نفر سوم کارگردانی

در مقوله جنگ نمایش «خلیل طلایه‌دار درون

مرز» و «صبح قریب» و در مقوله بلاها و

آفت‌های اجتماعی نمایش «آوخ» به عنوان

کارهای برگزیده جشنواره معرفی گردیدند.

* ویژگی‌های قابل ذکر «سومین جشنواره»

الف: با عنایت به اهمیت دفاع

قدس، موضوع جنگ‌همچون جشنواره

قبل، موضوع اصلی اغلب نمایشها بود.

ب: با احتمال قریب به یقین «عبدخدائی»

سپرپست مرکز هنرهای نمایشی، دبیر

سومین دوره برگزاری جشنواره

سراسری تئاتر فجر بوده است.

دکتر علی مظلومی که از سخترانان

جلسات نقده و بررسی این دوره بود ضمن

سخنان خود فرمودند که: «نمایش همان

بازگویی است، که هنرمند در آن هم حُسن

را می‌شناشد و هم حُسن را برمی‌گزیند،

هم سمبول برای نمایش حسن در عالم

محسوس می‌جوید و می‌یابد و می‌نماید.

بحث دیگر ما درباره نحوه طرح داستان

زنگی است.

قصه، حکایت زمانی و مکانی از زندگی یک

موجود زنده حساس فهیم است. نقاط

برجسته آن، همانها است که هنرمند فکر

می‌کند که برای بیننده جالب است یا نه؟

اگر هنرمند تابع پست‌بیننده بود، خود

درسی ندارد، بلکه خود را در سطح بیننده

پایین می‌ورد. و تنها او را خوشحال

می‌کند و یا سرگرم می‌دارد. یا پسندهای

معمول او را تأکید می‌کند.»

و این سخنان بیانگر بینش حاکم بر جشنواره

سوم بود.

درباره پانزده

جشنواره تئاتر فجر

سید وحید ترحمی مقدم

شهرستانهای «اراک، مسجد سلیمان، ارومیه، همدان، باختران، اصفهان، اردبیل و گرگان» نمایش‌های بخش مسابقه این دوره را به خود اختصاص داده بودند و دو نمایش تعزیه و یک سیاه‌بازی، نمایش‌های بخش ویژه این جشنواره بودند.

سالنهای تئاتر شهر (اصلی و چهارسو)،

تالار محراب، تالار هنر و تالار وحدت محل برگزاری نمایش‌های بخش مسابقه بوده و گروههای شرکت‌کننده شهرستانی، با تلاش دست‌اندرکاران، در روز (۲۱ بهمن‌ماه) در یک گردهم‌آیی صمیمانه، شرکت نموده و به تبادل نظر و دردیل با یکدیگر پرداختند.

در سومین دوره نیز چون دوره قبل، نهادهایی چون سپاه پاسداران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، انتشارات کیهان، مؤسسه اطلاعات و تحقیقات فرهنگی و سازمان انتشارات سروش‌جوایزی را به گروهها و هنرمندان منتخب اهدا نمودند. هیأت داوران سومین دوره، که تمايلی به اعلام نام خود در هیچ اطلاعیه و منابع خبری دیگری را نداشتند، عبارت بودند از آقایان: رضا صابری، مهدی فیروزان، ابوالقاسم نادری، سید محمد رضا آل محمد و نفر پنجمی که نام او مشخص نشد. (این اسامی در برنامه‌ای تلویزیونی اعلام گردید)



سومین جشنواره

جشنواره سوم، در روز سیزدهم بهمن ماه ۱۳۶۲ به مناسبت بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی «دهه فجر» در سالانهای تئاتر شهر طی مراسمی کار خود را آغاز نمود. در این روز مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر، حجت‌الاسلام خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سیدکمال حاج سیدجوادی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه گروه کثیری از هنرمندان تهرانی و شهرستانی، سومین دوره جشنواره تئاتر فجر که در ظاهر نسبت به دو جشنواره گذشته، شکل منسجم‌تر و حساب‌شده‌تری به خود گرفته بود را آغاز کرد. معاونت هنری ضمن گزارشی از دو دوره برگزاری جشنواره در دو سال گذشته، خبر تشکیل ستاد دائمی برگزاری جشنواره تئاتر فجر و تدوین اساسنامه آن را به اطلاع حاضرین رسانید.

در سومین جشنواره، یکصد و پنج گروه نمایشی با ارسال متون خود به ستاد برگزاری جشنواره، اعلام آمادگی نمودند که شورای ارزشیابی تعداد بیست و یک متن نمایشی را مورد تأیید قرار داده و بعد از بازبینی، چهارده نمایش در سه بخش «مسابقه»، «میهمان» و «ویژه» به جشنواره راه یافتند. (بخش مسابقه با ۸ نمایش، بخش میهمان با ۲ نمایش، بخش ویژه با ۲ نمایش).)



تخت حوضی نمایش شادی‌ها

محمد حسین ناصری‌خ



ب) نمایش تخت حوضی، نمایشی موزیکال است و موسیقی از ارکان اصلی آن به شمار می‌آید زیرا بسیاری از جزئیات اجرا از قبیل القای گذشت زمان و تغییر مکان، ایجاد فضایی شاد و جشن مانند و کمک به تخیل تماشاگر برای تجسم صحنه‌های گوناگون با یاری آن شکل می‌گیرند.

پ) تخت حوضی بر «بداهه سازی» متکی است و در گفتگوها، مژه پراکنی‌ها، پرورش شخصیت‌ها، و پیشبرد داستان از این ترفند بهره می‌جويد.

ت) بازیگران نمایش‌های تخت حوضی بازیگرانی کارکشته و حرفه‌ای‌اند و از اصول، شیوه‌ها و شگردهایی پیروی می‌کنند که هر چند هرگز مدون نگرده‌اند ولی ایشان آنها را از پیشینیان خود در آموزش «سینه به سینه» و «تجربی» آموخته و خود نیز بر آن نکاتی را افزوده‌اند. پس بازی ایشان نتیجه سالیان سال شاگردی کردن در نزد اساتید است و این تعلیم و تعلم در داخل گروه نمایشی انجام پذیرفته است.

ث) تخت حوضی نیز همچون شبیه‌خوانی نمایشی ذاتاً «بی‌چیز» است که در آن همه مکان‌ها و موقعیت‌ها با بازیگران و همراهی تخیل تماشاگران ساخته می‌شود.

ج) تخت حوضی در ساختار نمایش‌های خود متأثر از شیوه داستانسرایی شرقی است که

آنها در تهران و برخی شهرستانها بوجود آمدند و بدین ترتیب به مرور زمان نمایشی خاص پدید آمد که در آن همه عناصر لازم برای یک نمایش اعم از صحنه، لباس، موسیقی، چهره‌پردازی، شخص بازی، بازیگران، مضمون، قصه و ... ظهور یافته و تکامل پیدا کرده‌اند تا جایی که امروزه آن را به عنوان یکی از اشکال نمایشی ایرانی می‌شناسیم. ویژگی‌هایی که می‌توان آنها را برای سنجش اصالت یک نمایش تخت حوضی در یک نگاه اجمالی دید عبارتند از:

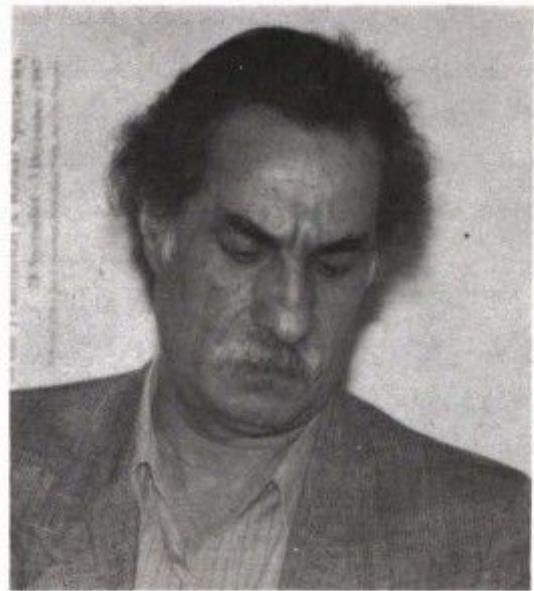
الف) نمایش‌های تخت حوضی، نمایش‌هایی شادی‌آور هستند که فضایی جشن مانند را القاء می‌نمایند و این اصلی بدیهی و غیر قابل چشم پوشی در اینکونه نمایش‌ها است زیرا چنانکه به نظر آمد اساساً این نمایش‌ها به جهت اجرا در مراسم شادی‌آور چون عروسی‌ها و ختنه‌سوران‌ها پدید آمده‌اند.

تخت حوضی نیز همچون شبیه‌خوانی نمایشی ذاتاً «بی‌چیز» است که در آن همه مکان‌ها و موقعیت‌ها با بازیگران و همراهی تخیل تماشاگران ساخته می‌شود.

تخت حوضی یا روحوضی به نمایش‌هایی اطلاق می‌گردد که در گذشته‌ای نه چندان دور به مناسبت جشن‌های عروسی، ختنه‌سوران و ... بر روی صحنه حوض تخته پوش شده اجرا می‌شده‌اند که این عنوان نیز با توجه به همین صحنه وضع گردیده است و شامل نمایش‌های گوناگونی است، نظیر «سیاه بازی» که معروفترین آنهاست. این نمایشها اگر چه معمولاً به مناسبت اجرا می‌شدند، ولی به دلیل علاقه مردم و جایگاهی که رفته رفته کسب نمودند همچون شبیه‌خوانی کارشان به جائی رسید که گروههای خاص نمایشی برای اجرای



این حرکت درست است



کفتو باسیاوش تهمورث

کارگردان نمایش عاشق کشون

نوپایی داریم. تماشاگری داریم که به هر حال باید یک مقدار پرورشش بدھیم و به دلیل این انقلابی که صورت گرفته خدای نکرده ممکن است یک چیزهایی به دلیل این دگرگون شدن از بین بود به همین دلیل من تصمیم گرفتم اصلاً روی مسائل سنتی بیشتر کار کنم بنابراین از بعد از سال ۵۷، یعنی بعد از انقلاب می‌بینید که اصلاً سبک و سیاق من بیشتر روی کار سنتی است و کار سنتی می‌کنم، هیچ سبکی نمی‌تواند وجود داشته باشد جز سبک رئالیسم، که وجود دارد. من معتقدم که همه چیز در آداب و رسوم و سنت ما است و می‌توانیم در متون گذشته و متون کلاسیکمان قطعاتی را بباییم که تبدیل به نمایشنامه خوبی بشود. هیچ کم و کثیر نسبت به ایجاد یا تولید نمایشنامه نداریم. اما این کار به هر حال مطالعه می‌خواهد، یک فداکاری می‌خواهد، یک نوع جستجو و کنکاش می‌خواهد.

پس سبکش رئالیسم است یا طبیعت‌گرایست ولی به هر حال روی متونی که بیشتر نتیجه تحقیق خودم روی مسائل سنتی و آداب و رسوم‌مان هستند کار می‌کنم.

آقای تهمورث بازیگران و عوامل نمایش را از حرفه‌ای‌ها انتخاب کرده‌اید یا از جوانترها

کار دارم. اما متن جدید را من با آقای چرمشیر کار کرده‌ام، روی طرح خودم کار شده است و روی مسائل اجتماعی دور می‌زند و راجع به کسانی است که موقعیت خودشان را فراموش کرده و به جای دیگر کشیده می‌شوند، روی زندگی یک دسته مطروب است و راجع به اینکه اینها چه جوری کارشان به مطلبی کشیده می‌شود و چطور مطلبی را رها می‌کنند و بر سر کار اصلی‌شان بر می‌گردند، کاری شاد است و بظاهر حتی شاید کمیک هم باشد اما به هر حال بنتظر من یک کار تراژیک است، به دلیل مفهومی که در آن هست و به دلیل نوع پایانی که در آن وجود دارد.

آقای تهمورث شما در اجرا چه سبک و سیاقی را پیش گرفته‌اید؟

تهمورث - ببینید من خیلی راحت صحبت می‌کنم برای اینکه اگر تماشاگری سوادش در حد من بود و کمتر کتاب خوانده بود، هم متوجه بشود که چه می‌خواهیم بگوییم. اما قبل از سال ۵۷ متونی که خودم طرح آن را داده بودم خیلی کم بود، بیشتر روی نویسنده‌گان بزرگی مثل شکسپیر، برشت و چخوف و... کار می‌کردم که هر کدام سبک بخصوص و روش کاری بخصوصی دارند اما از سال ۵۷ تصمیم من یک چیز دیگری شد به این دلیل که دیدم تماشاگر

جناب آقای تهمورث نمایش عاشق کشون را برای بخش حرفه‌ای جشنواره در دست تعریف دارند، انگیزه شما برای انتخاب این نمایش چه بوده؟

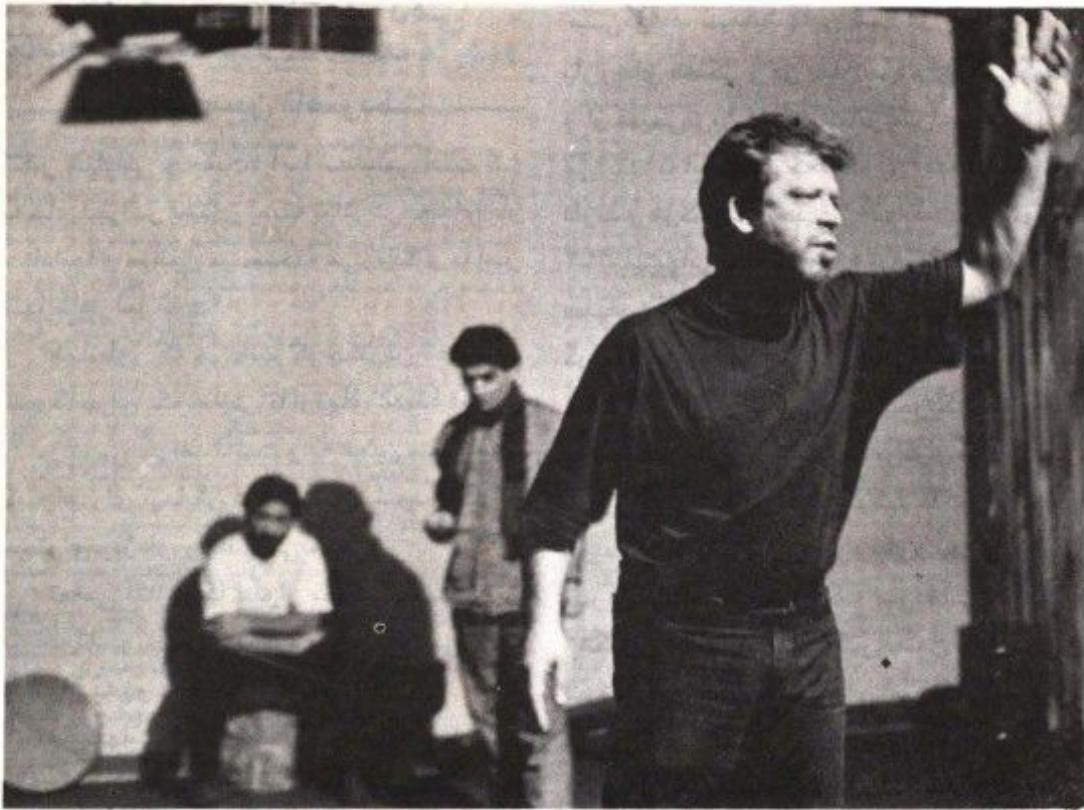
کسر

راجع به متن آن برای ما صحبت کنید.

تهمورث - بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگرد. اولین چیزی که من می‌توانم بگویم این است که خود تئاتر کار کردن انگیزه می‌خواهد، خود تئاتر کار کردن میل و عشق و علاقه می‌خواهد - که انسان به طرف آن کشیده شود و بتواند عاشق آن شود که بتواند آن حال و هوای هستی و زندگی را در اختیار عرصه تئاتر بگذرد. بهتر است این سؤال را اینطور تصحیح کنم که چطور این متن بوجود آمده است؟ و این متن از کجا آمده است؟ اینطوری بهتر است خدمتتان عرض کنم که من حدود دو سال واندی پیش که به امریکا سفر کرده بودم و اجرای موفق معرکه در معرفکه را داشتم، در آنجا یک طرحی به ذهنم خطور کرد که آن طرح را من کامل کردم تا رسید به جانی که امروز آن را دست گرفتام البته قبل این طرح را با کسی دیگر کار کردم که نویسنده بسیار خوبی است، الان نامش را نمی‌برم، اما متأسفانه ایشان به علت گرفتاری‌هایشان مقداری دیر به من متن را رساندند که البته آن هنوز هست بعداً با آن



نیز استفاده کردند.



گذشت داشته باشد یک مقدار باید عشق و علاقه‌اش را به این سو بکشاند و این که تئاتر را زنده نگه دارد و من اینجا می‌توانم به عنوان کسی که حداقل سی و چهار، پنج سالی در این زمینه تلاش دارم از دوستان خودم خواهش کنم و بگویم اگر بیانید درست می‌شود.

● آقای تهمورث نظرتان درباره طرح «خانه تئاتر» که در جلسه هنرمندان تئاتر با آقای مهاجرانی مطرح شد چیست؟

تهمورث - طرح بسیار خوبی است، چرا که اولاً یک تشكل ایجاد می‌کند که تئاتری‌ها متوجه بشوند، یا حتی دیگران هم متوجه بشوند که یک موجودیتی هست، برایشان ارزش قائل هستند، یک مکانی، یک جانی را برایشان در نظر می‌گیرند که اینها می‌توانند در آنجا جمع بشوند، می‌توانند با یکدیگر صحبت داشته باشند، می‌توانند یا هم‌دیگر در دل داشته باشند می‌توانند آنچه برنامه‌ریزی شان را شروع کنند و می‌توانند از آنچه برنامه‌ریزی کلی تئاتر را بکنند، این از یک نظر، اما از نظر دیگر این است که حتی آنها بیکار تئاتر را انتخاب نمی‌کنند و کنار گذاشته‌اند مشخص می‌شوند، که دیگر در این خانه تئاتر نخواهند بود و وقتی در اینجا نیستند، وجه استراکتی را ایجاد نمی‌کنند، تئاتری‌ها هم روی آنها دیگر حساب نمی‌کنند، به نظر من خیلی خوب است، باید باشد!

● وجود امده است و چطور می‌توان آن را برطرف کرد؟

تهمورث - این به نظر من دو جنبه دارد، یک دلیلش مستولین بودند که مقداری نسبت به این زمینه کملطفی داشتند و نسبت به تئاتر مقداری کم‌توجهی می‌کردند یا شاید خدای نکرده اصلاً این رشته را مطالعه نکرده بودند یا در مورد این رشته آگاهی نداشتند. یکی این است که با دست‌اندرکاران جدید نویدی هست و امیدوارم که همانطور که تلاششان را شروع کرده‌اند این تلاش را تا آخر ادامه بدهنند و از آن نظر لاقل ما هیچگونه دغدغه خاطری نداشته باشیم اما جنبه دیگرش به نظر من خود هنرمندان هستند، هنرمندان ما اگر یک مقدار گذشتگان را بیشتر کنند، یک مقدار به این سو بیشتر توجه کنند، از یک چیز‌هایی بگذرند، نه از نظر مادی، چرا که به هر حال همه احتیاج دارند که باید بروند سریالشان را بازی کنند، فیلمشان را بازی کنند یا کار بکنند چرا که به هر حال باید زندگی‌شان هم بگذرد اما مسائله‌ای که وجود دارد این است که حداقل برنامه‌ای تنظیم کنند، و در سال یک ماه، دو ماهشان را تنظیم کنند و به این سو بیایند. باور کنید که اگر هنرمند جماعت نیاید هر چند مستولین حسن نیت هم به خرج بدهند، هر چند پولهای فراوانی هم در این کار بریزند هیچ فایده‌ای نخواهد داشت هنرمند باید یک مقدار

تهمورث - هنرمندانی هستند که جوان‌اند هفت هشت‌سالی هست که شروع به کار کرده‌اند اما من آن‌ها را حرفه‌ای می‌دانم چرا که به حق ایثارگرانه کار کرده‌اند و به حق خودشان را فدا کرده‌اند، بیشتر در زمینه تئاتر کار کرده‌اند و می‌توانم بگویم که حرفه‌ای هستند اما این دلیل نمی‌شود که جوانترها را خدای نکرده فکر کنیم که می‌خواهیم رد کنیم، نه، در این نمایش نقشی وجود ندارد که به جوانترها بخورد و اگر می‌بود مطمئناً من در خدمت آنان می‌بودم.

● آقای تهمورث نظرتان در مورد بخش حرفه‌ای جشنواره چیست؟ آیا فکر می‌کنید تأثیری خواهد داشت؟ به چه شکل؟

تهمورث - ببینید بخش حرفه‌ای که نه، اسمش را بخش ویژه گذاشته‌اند و آن هم به این دلیل است که تصمیم گرفته شده اصولاً کسانی که بیشتر حرفه‌ای کار می‌کنند و به هر حال در ان زمینه بیشتر تجربه دارند، و در این مسئله بیشتر عمر گذاشته‌اند و شاید مطالعه بیشتری هم دارند، آنها را از گروههای دیگر جدا کنیم. چرا که این حق‌کشی است اگر جوانهایی را که می‌آیند و کار می‌کنند را با عده‌ای که بیشتر تجربه دارند مقایسه کنند. در نتیجه این بخش جدا شده و این بخش را گذاشته‌اند که خودشان با خودشان رقابت داشته باشند اگر بخش جوانی وجود دارد اگر مثلاً بخش شهرستان یا بخش دانشجویی وجود دارد اینها را ببینید شاید از تجربه آدمهایی با تجربه‌تر استفاده بکنند و این سازندگی بیشتری ایجاد بکند. به نظر من این حرکت درست است چرا که ما باید بدانیم که اگر می‌خواهیم به یک جایی بررسیم که اسهم‌مان را حرفه‌ای بگذارند و به یک جایی بررسیم که به هر حال مشخص شده برای یک عده با تجربه، باید زحمت بکشیم که اگر زحمت نکشیم چه در مورد گرفتن سالان، چه در مورد گرفتن عنوان و شکل ظاهری ماجرا فایده‌ای نخواهد داشت، باید زحمت کشید باید ایثار کرد، باید گذشت کرد، باید مطالعه کرد، باید فدایکاری کرد باید تمام مدت تجربه کرد تا به جانی رسید که به کنه مطلب پی برد و شود و اگر با ماجراهای اصلی تئاتر در گیر بشویم آن وقت اگر اسم ما را حرفه‌ای گذاشتند آن وقت است که می‌فهمیم چقدر مستولیت گردن ماست و به نظر من این کار، کار درستی بوده است.

● آقای تهمورث همه از بحران در تئاتر می‌گویند فکر می‌کنند این بحران به چه علتی



تئاتری داشته است، بسیاری از فرضیه‌ها و تئوریهای تئاتری در قرن ماریشه در این مبحث دارند از جمله طرح دیوار چهارم از سوی هنرمندان ناتورالیست یا شکستن این دیوار و روشنایی یکنواخت سالان و صحته در تجربیات تئاترهای حماسی و مستند و یا شریک‌ساختن مخاطب در اجرای نمایش به مثابه یک آنین در نظریات آرتو، و همین ارتباط است که ساختار موجز نمایش‌های خیابانی را شکل می‌دهد.



نمایش خیابانی به سبب مکان اجرا و نوع مخاطبینش، که رهگذرانی خیابانی هستند، نیازمند ضرب‌آهنگی تند در اجرا برای ازدست‌ندادن تماشاگران و استفاده بهینه از زمان است و این دقیقاً همان ترفندی است که معرفک‌گیران کهنه‌کار با دست‌یازیدن به کلامی مسلسل‌وار، برای فضاسازی و زمینه‌چینی لازم جهت درگیر نمودن تماشاگران با اجرا، به کار می‌بستند.

حرفی داری که می‌خواهی بر پایه قصه‌ای از مولوی یا عطار و یا نظامی و فردوسی یا تاریخ بیهقی و... بزنی چرا برای ما تفسیرش را می‌گویی. مگر نه اینست که تفسیر تو رامن باید ببینم، پس چرا می‌شنون؟

می‌دانم که بهر حال نمایش بخش شنیداری هم دارد. ولی آن نمایش است نه تفسیر نمایش. تو به جای اینکه نمایشی به من عرضه کنی که از ورای دیدن یا خواندن آن به تفسیر تو برسم، خود برای من تفسیر می‌گویی! پس نمایش در کجاست؟ مگر نه آنست که تو به فردوسی یا مولوی یا دیگر بزرگان ادبیات و عرفان تأسی جسته‌ای؟ پس آن راه و رسمی که انها رفته‌اند کجاست؟ مگر انها برای القاء معانی و مفاهیم والای مورد نظر خود قصه‌ای را بهانه قرار نداده‌اند تا در لابلای آن به مقصود خویش اشاره نمایند. مگر نخوانده‌ای که:

ای برادر قصه چون پیمانه است
معنی اندر وی بسان دانه است
دامنه معنا بگیرد مرد عقل
ننگرد پیمانه را گر گشت نقل
هست اندر باطن هر قصه‌ای
نکته بنیان را ز معنی حصه‌ای

نمایش‌های خیابانی با گروه دیگر در این است که تماشاگر در هنگام دیدار آنها می‌داند و آگاه است که با پدیده‌ای نمایشی روبرو است.

مجالس معرکه ایرانی نیز در این گروه قرار می‌گیرند. نمایش‌هایی که در خیابانها، در بازارهای هفتگی و در میان مردم اجرا می‌گردند و از قدیمی‌ترین اشکال تئاتر مردمی به شمار می‌آیند، نمایش‌هایی که همه به آنها دسترسی دارند و هر کس به راحتی از آنها سردرمی‌آورد.

۲- نمایش‌هایی که به‌ویژه با رشد جریانات سیاسی و اجتماعی در دوران معاصر طرح گردیده‌اند و عبارت از اجراهایی هستند که به قصد آموزش و یا تهییج و تحریک مخاطبین توسط هنرمندان چیره‌دست برگزار می‌گردند. در این نمایش‌ها گروه می‌کوشد تا اجرا را چون رویدادی مستند و روزمره جلوه دهد و از این طریق تماشاگران را، که مردمانی عادی و رهگذران خیابانند، به عکس‌العمل وادارد. این شیوه به‌ویژه در کشورهای امریکای لاتین و برخی از ممالک اروپایی مورد بهره‌برداری هنرمندان اندیشمند قرار گرفته و به ترفندی جهت برانگیختن مردم بدل گشته‌اند.

می‌دانم که نحوه ارتباط بازیگران با مخاطبین یکی از مباحث همیشگی تئاتر بوده و تأثیر فراوانی در شکل‌گیری و بنیان نحله‌های معاصر

در این مورد یک نکته مقدماتی و مهم وجود دارد و آن پرهیز نو تجربه‌گان از پرداختن بدیگونه آثار است. چرا که اول باید چگونه نوشتن (گفتن) را آموخت و برای آموختن راه و رسم نگارش نمایش اصلًا تاریخ و قصص عرفانی و فلسفی و تمثیلی مناسب نیستند. درست و بهتر آنست که حکایتی از حکایت‌های روزمره را به نمایش بکشیم، زیرا که آن را بهتر می‌شناسیم. مگر نه اینکه یکی از اصول نمایشنامه‌نویسی داشتن شناخت روی موضوع و آدمهای نمایش است. پس چه چیز در دسترس‌تر از آدمهای دور و بر ما ناگفته نماند که غرض از این حرفها آن نیست که به‌طور کلی سراغ تاریخ و متون ادبی و عرفانی نزدیم، بلکه خواستم به تو برادر و خواهر نویا در عرصه نگارش نمایشنامه گوشزد کنم که این راه و رسم به مقصود نزدیکتر است، و گرنه ممکن است در پیچ و خم این راه سرگردان شوی و خیلی دیر خود را بیابی.

و اما سخنی هم با آنها که چندیست به سراغ گذشته ادبی و تاریخی رفته‌اند و بعزم نگارند هنوز راه به جایی نبرده‌اند. ای عزیز، اگر تو

«تئاتر خیابانی» نمایشی پویا و مردمی

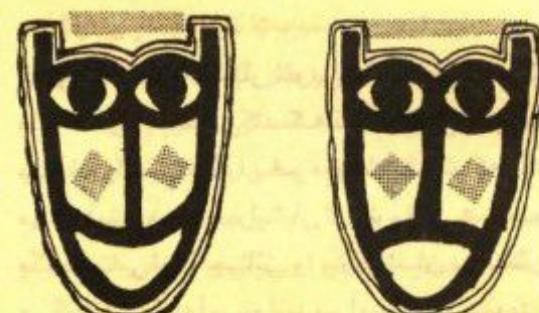
تئاتر خیابانی چیست؟ آیا نمایشی است که به‌جای اجرا در فضای بسته تئاتر در فضای باز خیابانها و میادین بر صحنه می‌رود؟ و یا ایز تنها ظاهر امر است؟ همانطور که می‌دانیم کوچکترین تغییر در شیوه اجرای یک نمایش تفاوت‌های عدیده دیگری را نیز در پی خواهد داشت و به همین سبب است که اجرای نمایش در خیابان خود شکل و محتوای ویژه‌ای را طلب می‌نماید.

تمامی آثاری که عنوان نمایش خیابانی را در سرتاسر جهان با خود به یاد می‌کشند می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

- ۱- نمایش‌هایی که توسط گروههای نمایشگر دوره‌گرد از دیرباز در نقاط گوناگون جهان اجرا می‌شده‌اند و گسترده‌ای پهناور از «میم»‌های روم باستان تا دلگان و معرفک‌گیران خیابانی و نمایش‌های تبلیغاتی، سیاسی و اجتماعی در سدة اخیر را دربر می‌گیرند. وجه تمایز این گروه از

□ قسمت‌العلوم

حلوا حلوا دهنم شیرین


اما به‌خاطر داشته باشیم که فقط قصه یا واقعه برایشان جذاب نبوده بلکه آن را مناسب پیامی تشخیص داده‌اند، و در عین وام گرفتن قصه یا واقعه تاریخی مقصود و منظور خود را از ورای آن بیان کرده‌اند، یا حقیقت را از دل آن بیرون کشیده و نمایش داده‌اند.

مقوله تاریخی و تاریخ‌نویسی، و اینکه قلمرو نمایش تاریخی چه تفاوت‌هایی با مستند تاریخ و تاریخ‌نگاری دارد، خود بحث جامع و قابل تأملی است که توجه بدان از واجبات امر نمایشنامه‌نویسی براساس تاریخ است.



نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟

خزارش اولین جلسه نقد و بررسی

«بهرام بیضائی» بر صحنه تئاتر

در شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر دو نمایش به کارگردانی بهرام بیضائی به صحنه می‌رود. «کارنامه بندار بیدخش» و «بانو آنوبی» اسامی نمایش‌هایی است که در بخش‌های ویژه و میهمان جشنواره تئاتر فجر به اجرا درمی‌آید.

کارنامه بندار بیدخش را بهرام بیضائی براساس داستان اساطیری جم نوشته است و یکی از آخرین نمایشنامه‌های بیضائی به شمار می‌رود. در این نمایش مهدی هاشمی نقش اصلی را به عهده دارد. کارنامه بندار بیدخش روزهای ۲۵ و ۲۶ بهمن ماه در سالن چهارسوسی تئاتر شهر به صحنه می‌رود. نمایش دیگری که از بیضائی در بخش میهمان جشنواره به صحنه رفت، بانو آنوبی نوشته: «میشیما یوکیو» نویسنده معاصر ژاپنی است که در آن «مردده شمسایی» و «پارسا پیروزفر» و «مهشاد مخبری» ایفای نقش می‌کند. «بانو آنوبی» یکی از شش نمایشنامه‌ای است که نویسنده با تأثیر از تئاتر نو ژاپن نوشته است.

خبرهای داغ

شنبه ۷۶/۱۱/۱۸

● تالار مولوی - ساعت ۱۶، نمایش «بازی هفتمن» کار شبنم طلوعی تماشاگران آنقدر زیاد بودند که جای تکان خوردن باقی نبود، بیشتر چهره‌ها جوان، و آنطور که از اظهار نظر هایشان در سالن انتظار بر می‌آمد اکثر آنها داشتند.

● سالن قشقایی ساعت ۱۸/۲۰ نقالی «مرشد ترابی»، مرشد که در سانس قبل نقل «کشتی اول رسم و سه راب» را گفته بود ساعت ۱۸/۲۰ نقل «رزم سه راب با بانو گشتب و مرگ سه راب» را گفت که اشک بر چهره جوان تماشاچی نشاند و با بازی تکنفره قدر تمندش اعجار کرد.

● تا پایان روز دوم جشنواره هیچ‌گونه پلاکاردی برای برنامه‌های سالن قشقایی در تئاتر شهر که نمایش‌های بخش آنیقی و سنتی در آن اجرا می‌گردد نصب نشده بود

- رقص بومی ترکمن قابلیت‌های در آن سوی آینه و اینکه آن سوی آینه نمایش است نه تئاتر اشاره کرد. و این نکته را مطرح کرد و مؤکد ساخت که این کار از نظر فضاسازی و توازن و تعادل در صحنه پردازی متعادل و بقاعده نبوده سهل است که گونه‌ای ساده‌پستی را نیز اشاعه داده است. ابراهیمیان این نکته را نیز بر عرصه و معرض داوری کشانده که اساساً آن سوی آینه با توجه به زمینه‌های دارماتیکی اثر کاری ناازموده بوده و البته آزموده را آزمودن خطا است.

نصرالله قادری - رئیس کانون ملی منتقادن تئاتر - نیز طی سخنان منضبط و بقاعده و روای ساختن بی‌شببه و شائب جلسه پرداخت و با آگاهی جلسه را بی‌هیچ تحاشی و تعلیق تابه آخر پیش برد ضمن اینکه نکات چندی را که خود یادداشت نموده بود به وقتی با وضع و موقع خاص و دقیقی مطرح نمود. مهرداد رایانی مخصوص نیز به تئاتر داستانی و ساختار کلی متن اشاره کرد و این که چرا اجرا این همه از شیوه‌های تئاتر شرقی دور افتاده است. خانم آزیتا حاجیان و آقای محمد رضا شریقی نیا نیز با کوشش درخور ذکری به یک دادند. خاصه خانم حاجیان که با یادداشت کردن کلیه نظرات و جزئیات بادیدگاهی باز و نه جرم و خفت و خشکاندیشانه و در نهایت سعه صدر و بلند و بربن نظری به انتقادها پاسخ گفتند. محمد رضا شریقی نیا نیز به رغم تمام توضیحات مستوفایش، در برداشت از معموم «واریته» که نوعی از تئاتر است و اشتباه است اگر آن را با کار فلان شونم دیروز مقایسه کنیم کم لطفی کرد و مقایسه آن سوی آینه را با واریته نادرست تلقی کرد. مهرداد رایانی مخصوص هم به ذکر نکات مفید و ممتعی پرداخت. در نهایت جلسه با حسن ختم اعضا کانون منتقادن تئاتر و با اعلام اینکه به دلیل ضيق وقت فرصت طرح سنوات برای مخاطبان و حاضران فراهم نیست و این عذر تقصیر را باید دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان بیاورند پایان یافت. با این امید که جلسات آتی پربارتر، منسجم‌تر و صد البته صمیمانه‌تر باشد.

نخستین جلسه نقد و بررسی نمایش‌های بخش ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر ۷۶/۱۱/۷ در سالن چهارسو برگزار شد. در این جلسه که به دلیل جابجایی مکان و زمان این نشست بسیاری از عزیزان شهرستانی حضور صمیمی و روشنی‌بخش خویش را از حاضران و دست‌اندرکاران دریغ داشتند، نمایش «آن سوی آینه» نوشته و کار آزیتا حاجیان نقد و بررسی شد. آزیتا حاجیان و محمد رضا شریفی نیا از سوی گروه اجرایی و آقایان: نصرالله قادری، همایون علی‌آبادی، فرشید ابراهیمیان و مهرداد رایانی مخصوص از سوی کانون ملی منتقادن تئاتر به گفت و شنود و غوررسی «آن سوی آینه» پرداختند. نخستین جرقه بحث و گفت و گو را همایون علی‌آبادی آغاز کرد. وی طی سخنان مبسوط نمایش «آن سوی آینه» را به نوع تئاتر «واریته» و یک SHOW OFF - OFF شبیه دانست و گفت: این کار حتی برای لحظه و لمحه‌ای تماشاگر را به اندیشه و به خویش وانمی‌گذارد تا با تفکر بتواند به چند و چون اجرا بپردازد. کار چنان در ریتم موسیقی و شعر و دمدمه‌های موزیکالیته مغروف و مستغرق است که ای خوش‌او حسرت! لحظه‌ای جدی بودن و به جد انگاشتن... علی‌آبادی گفت کار موسیقی چندان جاذب و پرکشش است که عنصر غالب اجرا شده است و تماشاگر را به تخدیر و امیدار. به گمان این منتقاد تئاتر «آن سوی آینه» حکایت دشمن طاووس آمد پر او را بر حظه خطیر ذهن می‌نشاند. وی حتی استقاده از موسیقی و شعر را که از دیوان شعری معاصر برگرفته شده چار گونه‌ای تساهل و ساده‌اندیشی و به سطح‌نگری البته - دانست و گفت در کل اجرا بر سطح شناور بود و بر آب تاب می‌خورد. کارگردان در پاسخ به یک یک نقدنا - در حد توان گفت و براین نکته تصريح کرد که نمایش ما به گونه‌ای همه فن و جوان پسند با مقاومیتی چون «در دمندی» و «جهان بینی عصر امرون» برخورد کرده است. ماتابه کی باید با هجران و حسرت و حیرت درد را بر صحنه تئاتر متجلی کنیم؟ برای ملت ما اندکی شادی هدفمند و مؤجه از ضرورت‌هاست. فرشید ابراهیمیان نیز به نکات در خور توجهی اشاره نمود و به «رقص خنجر»



سامی هیأت داوران

سامی هیأت داوران شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر اعلام شد. دکتر مهدی حجت (استاد دانشکده‌های تئاتر)، دکتر پروانه مژده (کارگردان، استاد دانشگاه و منتقد تئاتر)، دکتر فریدنده‌خواه (استاد دانشکده‌های تئاتر)، فرهاد مهندس‌پور (نویسنده، کارگردان و استاد دانشکده تئاتر) و اکبر زنجانپور (بازیگر و گارکردان تئاتر) نمایش‌های بخش مسابقه را مورد قضاوت و داوری قرار می‌دهند.

اعضای هیئت داوران بخش خیابانی
جشنواره اعلام گردید:
آقای حمید افشار استاد و هنرمند تئاتر، آقای امیر دژاکام استاد و هنرمند تئاتر و آقای محمود فرهنگ هنرمند و مسئول چهارمین جشنواره تئاتر خیابانی.

توجه!

تغییر جدول برنامه‌های جشنواره

جمعه ۱۱/۱۱/۷۶ به جای برنامه «سمیتار

زبان و هویت در تئاتر»، صبح و عصر دو سخنرانی برای میهمانان خارجی انجام خواهد شد. صبح ساعت ۹/۲۰ سخنرانی «ژان کلود - کاریں» و بعدازظهر ساعت ۱۴ سخنرانی آقای ربرتو چولی در سالن رودکی انجام خواهد شد. جلسه نقد و بررسی نمایش‌های «اینم از این» و «کنار شیر آتش‌نشانی» روز پنجشنبه ۷/۱۱/۱۱-۷/۱۱/۲۲ و نمایش‌های «دُر هوش‌ربا» و «یک روز خاطره‌انگیز برای دانشمند بزرگ وو» روز ۷/۱۱/۲۵ انجام خواهد.

تله تئاتر

«اولین شب با تله تئاتر در تالار آینه هتل مارلیک» مراسم نمایش فیلم «باغ وحش شیشه‌ای» جمعه ۱۱/۱۱/۷۶ با حدود ۱۸۰ شرکت‌کننده در ساعت ۲۱:۰۰ با سخنرانی آقای اردشیر صالح‌پور و در حضور آقای حسین سلیمانی دبیر شانزدهمین جشنواره آغاز شد. نمایش فیلم از طریق ویدئویی انجام گرفت فیلم کیفیت بدی داشت و کمبوڈ جا مشکلاتی را برای شرکت‌کنندگان بوجود آورد.

پیش از نمایش فیلم، بروشوری درباره نویسنده و آثار او در بین تماشاگران توزیع گردید.

تغییر در جدول

● نمایش «بازی هفتم» کار شبین‌طلوعی به علت بازی «محمد حاتمی» یکی از دو بازیگر آن در نمایش «عاشق کشون» کار «سیاوش تهمورث» در روزهای ۱۹ و ۲۰ بهمن در فرهنگسرای نیاوران اجرا نخواهد شد.

توجه!

تغییر ساعت نمایش

● نمایش «کنار شیر آتش‌نشانی» نویسنده و کارگردان «فرهاد ناظرزاده کرمانی» در تاریخ ۲۶ بهمن در ساعت ۱۸:۳۰ و ۲۰:۳۰ در سالن وزارت آموزش عالی از تاریخ ۱۹ تا ۲۷ بهمن ماه اصلی تئاتر شهر اجراه می‌گردد.

خبری از جشنواره خیابانی

● در چهارمین جشنواره سراسری تئاتر خیابانی با همکاری اداره کل امور فرهنگی وزارت آموزش عالی از تاریخ ۱۹ تا ۲۷ بهمن ماه

نمایش

ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر
زیرنظر لاله تقیان
مدیر داخلی مریم آقائی
مدیر هنری حجت ترصی
حروفچینی شهناز یوسفی، فاطمه شفیعی
مسعود عباسی
مسئول روابط عمومی فاطمه کباریان
عکس حجت ترصی، اخت تاجیک